

وهابیت و تکفیر شیعه

وهابیت و تکفیر شیعه

نسبت کفر دادن به شخص یا مسلمانی شرایط و ضوابط خاصی دارد و درست نیست که بخاطر اینکه اگر شخصی عقایدش با عقاید یک فرقه یا مذهب موافق نبود به وی نسبت کفر داده شود. اما این قضیه در مورد وهابیان صدق نمی کند و به راحتی به مخالفان عقاید خود نسبت کفر داده و خون و مالش را مباح می کنند. در این مقاله مساله تکفیر از دیدگاه وهابیت و علی الخصوص تکفیر شیعه بررسی می شود.

در طول تاریخ اسلام مذاهب گوناگونی شکل گرفته است و طبعاً هر یک خود را به حق و مذاهب دیگر را ناحق می-دانسته است و این مذاهب همیشه در کنار هم زندگی کرده و هم دیگر را مسلمان دانسته-اند و هیچ گاه دست به تکفیر کلی مذاهب دیگر نزده-اند. اما یکی از اصلی-ترین اعتقادات وهابیت تکفیر دیگران به خاطر اعتقادات مخالف میل وهابیت، خصوصاً تکفیر شیعیان است.

وهابیت با دیدگاهی بسته و تنگ نظرانه اقدام به تکفیر مسلمانان مخالف با خود دارد و این مسئله را تا جایی پیش برده است که اقدام به کشتن مخالفان خود از دیگر مذاهب را پسندیده شمرده-اند.

موسس وهابیت و تکفیر شیعه

محمد بن عبد الوهاب موسس وهابیت و مجدد ناشر افکار ابن تیمیه می گوید: «وإنَّ قصدَهم الملائكة والأنبياء والأولياء يريدون شفاعتهم والتقرب إلى الله بذلك، هو الذي أحلَّ دماءهم وأموالهم».[1]

«همانا هدف آنان وسیله تقرب به خداوند و شفیع قرار دادن پیامبران، و صالحان است، به همین جهت خونشان حلال و قتلشان جایز است.»

انتقاد استاد محمد بن عبدالوهاب از تکفیر مسلمانان

شیخ محمد بن سلیمان کردی که استاد محمد بن عبدالوهاب بوده خطاب به وی می-نویسد: «یا ابن عبد الوهاب إني أنصحك لله تعالى أن تكف لسانك عن المسلمين فإن سمعت من شخص أنه يعتقد تأثير ذلك المستغاث به من دون الله فعرفه الصواب وأبى له الأدلة على أنه لا تأثير لغير الله فإن أباي فكفّره حينئذ بخصوصه ولا سبيل لك إلى تكفير السواد الأعظم من المسلمين، وأنت شاذ عن السواد الأعظم فنسبة الكفر إلى من شذ عن السواد الأعظم أقرب لأنه اتبع غير سبيل المؤمنين قال تعالى (ومن يشاقق الرسول من بعد ما تبين له الهدى ويتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى ونصله جهنم وساءت مصيرا) وإنما يأكل الذئب من الغنم القاصية».[2]

ای فرزند عبدالوهاب! درود بر کسی که از هدایت پیروی کرده است. من به خاطر خدا تو را نصیحت می-کنم که زیانت را از مسلمانان بازداري...

و تو نمی-توانی و حق نداری عموم مسلمین را تکفیر کنی؛ زیرا تو یک فرد از این امتی و نسبت کفر به کسی که از عموم مسلمانان خارج شده به واقع نزدیک-تر است؛ زیرا که او از غیر راه

مؤمنین پیروی کرده است. خداوند متعال می-فرماید(کسی که بعد از آشکار شدن حق از پیامبر مخالفت کند و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید ما او را به همان راهی که می-رود می-بریم و او را به دوزخ داخل می-کنیم و سرانجام بدی است). و همانا گرگ گوسفند وامانده را می-خورد.

شهادت به کفر مسلمانان، شرط ورود به آیین وهابیت

أحمد زینی دحلان مفتی مکّه مکرمه می نویسد:

«کان محمد بن عبد الوهاب إذا أتبعه أحد وكان قد حجّ حجّة الإسلام، يقول له: حجّ ثانياً! فإنّ حجّتك الأولى فعلتها وأنت مشرك، فلا تقبل، ولا تسقط عنك الفرض.»

وإذا أراد أحد الدخول في دينه، يقول له بعد الشهادتين: اشهد على نفسك إنك كنت كافراً، وعلى والديك أنّهما ماتا كافرين، وعلى فلان وفلان، ويسمّي جماعة من أكابر العلماء الماضين أنّهم كانوا كفّاراً، فإن شهد قبله، وإلاّ قتله، وكان يصرّح بتكفير الأمّة منذ ستمائة سنة، ويكفر من لا يتّبعه، ويسمّيهم المشركين، ويستحلّ دماءهم وأموالهم».[3]

اگر چنانچه کسی به مذهب وهابیت در می آمد و قبلاً حج واجب انجام داده بود «محمد بن عبد الوهاب» به وی می گفت: باید دوباره به زیارت خانه خدا بروی چون حج گذشته تو در حال شرک صورت گرفته است.

و به کسی که می خواست وارد کیش وهابیت بشود می گفت: پس از شهادتین باید گواهی دهی که در گذشته کافر بوده ای و پدر و مادر تو نیز در حال کفر از دنیا رفته اند، و همچنین باید گواهی دهی که علماء بزرگ گذشته کافر مرده اند.

اگر چنانچه گواهی نمی داد وی را می کشتند. آری او بر این باور بود که تمام مسلمانان در طول 12 قرن گذشته کافر بوده اند، و هرکسی را که از مکتب وهابیت پیروی نمی کرد او را مشرک دانسته و خون و مال او را مباح می کرد.

فتوی ابن جبرین در کفر شیعه ابن جبرین که یکی از مفتیان بزرگ سعودی است سؤال شده که آیا به فقرای شیعه می شود زکات داد؟

پاسخ داده طبق نظر علماء اسلامی به کافر نمی شود زکات داد و شیعیان بدون شک به چهار دلیل کافر هستند:

1 - آنان نسبت به قرآن طعنه زده و بدگویی می کنند و معتقد به تحریف قرآن هستند و می گویند که دو سوم قرآن حذف شده و هرکس به قرآن طعنه زند کافر هست و منکر آیه شریفه «وإنا له لحافظون» می باشد.

2 - به سنت پیامبر و احادیث صحیح بخاری و مسلم نیز طعنه می زنند و به احادیثی که در این دو کتاب آمده عمل نمی کنند چون بر این عقیده هستند که روایات این کتاب ها از صحابه نقل شده و صحابه را کافر می شمارند، و معتقد هستند که پس از پیامبر گرامی همه صحابه جز علی و فرزندان او و تعداد اندکی مانند سلمان و عمار همه کافر و مرتد شدند.

3 - شیعیان اهل سنت را کافر دانسته و با آنان نماز نمی خوانند و اگر پشت سر اهل سنت نماز بخوانند آن نماز را اعاده می کنند بلکه آنان معتقد به نجاست اهل سنت هستند و اگر با یکی از اهل سنت مصافحه کنند، دست خود را آب می کشند.

4 - شیعیان نسبت به علی و فرزندان او غلو کرده و آنان را به صفاتی که ویژه خداوند است توصیف می کنند و همانند خداوند آنان را صدا می کنند.

تا آن جا که گفته: «من دفع إليهم الزكاة فليخرج بدلها حيث أعطاه من يستعين بها على الكفر، وحرب السنّة»

اگر کسی به شیعیان زکات بدهد قبول نیست زیرا او با این کار خود به کسی کمک کرده که کفر را تقویت می کند و با سنت پیامبر در حال جنگ است.[4]

اعلام رسمی جهاد بر ضد شیعه

از شیخ عبد الرحمان براک از مفتیان سعودی استفتا شده: «هل يمكن أن يكون هناك جهاد بين فئتين من المسلمين (أى: السنة مقابل الشيعة؟».

آیا امکان جهاد میان اهل سنت و شیعه وجود دارد؟

وی پاسخ داده:

«... إن كان لأهل السنة دولة وقوة وأظهر الشيعة بدعهم، وشركهم، واعتقاداتهم، فإن على أهل السنة أن يجاهدوهم بالقتال...».[5]

اگر اهل سنت دارای دولت مقتدری باشند و شیعه برنامه شرک آمیز خود را اظهار نمایند (مانند اعتقاد به وصایت علی (علیه السلام) بعد از پیامبر گرامی و مراسم عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) و توسل به امیر المؤمنین و حسین (علیهما السلام)). در این صورت بر اهل سنت واجب است که علیه شیعه اعلام جهاد نموده و آنان را به قتل برسانند.

فتوای هیأت عالی افتای سعودی بر کفر شیعه هیأت عالی افتای سعودی در پاسخ به سؤالی پیرامون شیعه نوشته است:

«إن كان الأمر كما ذكر السائل من أن الجماعة الذين لديه من الجعفرية يدعون عليا والحسن والحسين وسادتهم فهم مشركون مرتدون عن الإسلام».[6].

اگر موضوع همان گونه باشد که در سؤال آمده است، آنان که «یاعلی، یاحسین» می گویند مشرک، و از ملت اسلام خارج می باشند.

و این فتوی به امضاء چهار تن از اعضای هیأت عالی سعودی به شرح ذیل رسیده است:

رئیس هیأت افتاء: عبد العزيز بن عبد الله بن باز.

اعضای هیأت: عبد الرزاق عفيفی، عبد الله بن غديان و عبد الله بن قعود.

فتوای زرقاوی بر جهاد بر ضد شیعه

زرقاوی رهبر وهابیون عراقی طی اطلاعیه ای که از طریق اینترنت منتشر گردید اعلام کرد:

مخالفان (شیعیان)، افعی ها و دشمنان در کمین نشسته و عقرب های حيله گر هستند، ما اکنون به جنگ با دشمن کافر و جنگ دشوار با دشمن حيله گری که لباس دوست بر تن کرده و به همدلی دعوت می کند، ولیکن شرور است و ارث اختلاف درونی را به میراث برده، می پردازیم.

یک ناظر جستجوگر درک می کند که شیعیان خطری آشکار و حقیقی هستند. پیام تاریخ که واقعیت نیز آن را تصدیق نموده، این امر را روشن ساخته که تشیع، دینی جدا از اسلام است و با یهود تحت شعار اهل کتاب و مسیحیان ملاقات می کنند، شرک نمایان شیعیان تا جایی است که قبرها را می پرستند و در اطراف قبور ائمه طواف می کنند، به حدی رسیده اند که یاران پیامبر را کافر می دانند و به مادر مؤمنان و صالحان این امت دشنام می دهند و قرآن کریم را جعل می کنند.

و در کتب شیعیان که تاکنون در حال انتشار است به نزول وحی برای آن گروه ادعا شده است و این یکی از تصاویر کفر و کفرشناسی است.

کسانی که گمان می کنند شیعیان می توانند میراث تاریخی و کینه سیاه خود را فراموش کنند، در توهم به سر می برند و این همانند آن است که این افراد، (متوهمان) از مسیحیان بخواهند صلیب کشیدن مسیح را فراموش کنند. آیا یک عاقل چنین کاری می کند؟

این قوم علاوه بر کفر خود، برای افزایش بحران حکومت و موازین نیرو در دولت، از مکر و حيله سياسی استفاده و تلاش می کنند برای تثبيت شرایط محیطی جدید خود، با استفاده از پلاکاردهای سياسی و سازمان های خود با هم پيمانانشان همکاری کنند.[7]

تکفیر علمای شیعه توسط امام جماعت مسجد الحرام

شیخ عدل بن سالم کلبانی که از دوستان نزدیک اسامه بن لادن (تروریست معروف) می-باشد و در سال 1387ش از سوی پادشاه عربستان سعودی به امامت جماعت مسجد الحرام منصوب شد. او در حالی اولین امام جماعت سیاه پوست مسجد الحرام شد که سیاه-پوستان در جامعه عربستان از جایگاه اجتماعی پایین-تری برخوردارند. وی در تاریخ 1388/2/14 ش. در مصاحبه-ای که در حضور میلیون-ها بیننده در شبکه BBC عربی صورت گرفت، در پاسخ به سوالی چنین ابراز داشت:

«علمای شیعه عربستان، حق عضویت در هیئت بلندپایه فتوای این کشور را ندارند... و اگر ما نسبت به کافر شماردن مردم عادی و عوام شیعه مردد باشیم، اما در کافر دانستن همه علما و مراجع شیعه، هیچ تردیدی نداریم.[8]

مبنای فتوای برخی از مفتیان وهابی در تکفیر

شایسته است مبنای برخی از فتوای تکفیری وهابیت را بررسی کنیم تا روشن گردد چه مقدار از این فتاوا بی- مطالعه و از روی احساسات، تعصبات و شایعات و سوء تفاهم ها صدر شده است.

- | | | | | | |
|-----------|----------------------------|-------|-------------|-----------|---------------|
| [1]. | [2].58 | [3].9 | [4].46 1396 | [5].39 | [6].207 .1388 |
| [7].373 3 | [8].1384/3/8 :«BAZTAB.COM» | | | | |
| | | | | .66 .1389 | |